



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۳۰ اگست ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت دوم

باد پائیز به ناگه زد و گل پرپر شد
که ز هجران تو هر دم دل من مضطر شد

سالها رنج کشیدم که گلی پروردم
گل پر شده ام از چه برفتی ز برم



آغاز یک درگیری و کشمکش در سال 2002 میلادی:

سر نگونی سریع امارت اسلامی افغانستان به رهبری تحریک طالبان افغان، که با رانده شدن طالبان و القاعده به مناطق قبایلی پاکستان انجامید، و به این ترتیب طالبان افغان، شبکه القاعده و طالبان پاکستانی در منطقه قبایلی پاکستان جمع گردیدند. هدف حملات هوایی به قرار اظهارات

رئیس جمهور اضلاع متحده امریکا، ویران نمودن قرارگاه های القاعده و ویران نمودن زیربنا های کمپ های تمرینات نظامی و دستگیری رهبران اساسی و عمده این جنبش بود. در ماه مارچ 2002 میلادی ملا محمد عمر آخذن جهاد علیه حضور قدرت های خارجی «کافر ها» و رژیم منافق که توسط آن ها حمایت می شود را اعلان نمود. یک پیوند نوین بین بازیگران، جهت اتخاذ تدابیر ستراتیژیک جنگ چریکی آشوبگرانه شکل گرفت، که شامل مشخصات مختلف از قبیل نفوذ و رخنه نمودن در داخل خاک، جنگ فرسایشی، به سئوه آوردن قوت های متخاصم توسط حمله های هدفمندانه و برقرار نمودن یک منطق افزایش سریع خشونت ها.

فلهذا تشکیل دوباره جنبش با یک ایدیولوژی رادیکال شدن شدید همراهی گردید. به قرار مشاهده جیل دورانسورو (Gilles Dorransoro): «انسجام و یک پارچگی ایدیولوژیکی یا عقیدتی و اجتماعی طالبان اولی» دیگر وجود ندارد. پیوند سه جانبه یا مثلثی همراي گلبدين حکمتیار و القاعده به یک رادیکالیزم و یک نوع جدید ایدیولوژی انجامید.

برای جیسوتوزی (A. Gisutozzi) شبکه های مدرسه و مسجد دیوبندی یک رول سرنوشت ساز و اساسی در هنگام وسعت یابی جنبش، بین سال های 2003 و 2006 میلادی بازی نمودند. موعظه کردن ملا ها در مدرسه ها در حقیقت برای جلب و جذب جنگجویان جوان که با عقیده شدید اسلامی تدریس و آماده شده اند، رول به سزای را بازی می کند. موجودیت این عقاید جدید هیچ نوع موانع و مشکل به دو دلیل ایجاد نمی کند. از یک طرف استقرار و پخش آشوب توسط شبکه های اجتماعی برخواسته از جهاد علیه شوروی ها که متضمن ارتباطات محلی برای عملیات ها می باشد. و از طرف دیگر در بین چهارچوکات قرار دادن درگیری، که آن را جهاد از دفاع ملی نامیده و حمایت تعداد زیاد قطعات و پارچه های خارج از اعضای شبکه را بدست می آورند.

دو مؤلف، دورانسورو (Dorransoro) و جیسوتوزی (Gisutozzi) بالای این دو نقطه با هم توافق دارند.

مستقر نمودن محلی آشوب بالای شبکه های اجتماعی برخواسته از جهاد علیه شوروی ها یک دلیل بزرگ به ناکامی کشانیدن دستگاه و افزار ضد آشوبگری قوت های ائتلاف می باشد.

قوت های ائتلاف می کوشند تا آشوبگران را از مردم با به دست آوردن مناطق ای که از دست داده اند تحت کنترل خود درآورده و در آن جا ادارات دولتی محلی را ایجاد نمایند، جدا سازند. در حالی که تهداب این ستراتیژی بالای یک سرآغاز غلط گذاشته شده است، که قرار آن جنگجویان از حمایت کم مردم آن منطقه برخوردار می گردند. در حالی که بر عکس با مستقر شدن شان در محل از حمایت بزرگ اهالی محل بهره مند می باشند. گذاشتن بنیاد ستراتیژیکی به راه انداختن جنگ های چریکی از بهره برداری اشتباهات دشمن به وجود آمده است. شورشیان به اندازه کافی هنوز منافع و مؤقف مناسب به دست نیاورده اند که موفقیت دوباره برگشت قطعی را به دست بیاورند:

شورشیان اساساً از دو نوع منافع برخوردار می باشند، یکی شناسایی فوق العاده از ساحه و دیگر داشتن قابلیت بسیار قوی برای خلق نمودن مشکل و مُعضل با حمله های مکرر علیه اردوی دولتی، که در مقابل افکار عامه جواب گوی می باشند. و از جانب دیگر با استفاده از فعالیت های تخریبگرانه که به گراف خشونت سیر صعودی می دهد.

رنجش، کدورت و نارضایتی مردم یک وسیله خوب و مناسب جهت حمایت فعال و یا غیر فعال از شورشیان گردیده است. اشتباهات ضد شورشی مانند پالیدن خانه ها، بندی نمودن های نا مناسب و نا بجا و بمباردمان های مردم عامه به این عمل حمایت از شورشیان کمک نموده است. درگیری در چهار چوکات جهاد دفاع ملی از اهمیت زیاد و خاص برخوردار می باشد و اجازه می دهد تا اشتباهات که قوای ائتلاف مرتکب شده اند، مانند بمباردمان های هوایی، پالیدن به صورت غیر مناسب خانه های مردم.....

تمام این خطاها برای شورشیان فرصت های مناسب داد تا مردم را با دادن شعار های مانند دفاع از ارزش های که نزد مردم خیلی ها اهمیت دارد، بسیج نمایند.

به این ترتیب چهار چوکات دفاع ملی برای شورشیان اجازه داد تا از نارضایتی های مردم محل که در اثر اشتباهات قوای ائتلاف به وجود آمده است و بر علاوه ناکامی عملیه احیاء مجدد حکومت دلایل مشروع برای عبور به خشونت های مسلحانه می باشد.

علی الرغم تحول بزرگ کشور از سال های 1970 و با وجودی که شورش مسلحانه علیه دولت از بسیاری نقاط نظر نشان دهنده رابطه تخصصی و ارتباط که بازیگران دسته جمعی جدید را همراهی قطعات مختلف مردم پیوند می دهد، در یک طرح یا (schéma) که از نظر تاریخی بالای تاریخ کشور حک یا نصب شده است.

بُعد یا دور نمای تاریخی:

اولسن استه (Olesen Asta) (اسلام و سیاست در افغانستان) (Islam and politics in) (Afghanistan, Richmond : Curzon Press, 1995 :3).

مؤلف در این طرح بسیج شدن را بُعد تاریخی به رول اسلام داده که به حیث یک منبع کلتوری و سمبولیک یک مشروعیت سیاسی از زمان تشکیل دولت مدرن بازی نموده است. (تشکیل دولت مدرن از نظر مؤلف از زمان امیر عبد الرحمن خان 1880 میلادی می باشد).

پیشنهاد اساسی که توسط مؤلف از آن دفاع شده است عبارت اند از:

در ادوار مختلف انکشاف سیاسی کشور مذهب‌یون از استعمال اقتدار مذهبی شان در موقع بحران به قسمی استفاده می کنند که توسط آن محرومیت اجتماعی را جستجو نموده و مورد استفاده قرار می دهند، و به این ترتیب موفق می شوند تا در زیر بیرق ایدیولوژیکی اسلام گروپ های ناامید و رنج دیده را باهم در یک پیوند مؤقتی به یک هدف و منظور مشترک یکجا نمایند.

گذر و عبور به اعتراضات سیاسی توسط بازیگران ساحه مذهبی اجازه به بسیج نمودن منابع کلتوری و سمبولیک که توسط اسلام ایجاد گردیده است. و به این ترتیب از یک وسیله بسیار قوی که اسلام می باشد به نارضایی سیاسی و اجتماعی مشروعیت داده شده و به سوی یک عمل دسته جمعی عبور می کند.

با وجود آن از تحلیل اولسن استه چنین بر می آید:

که شیوه و روش سخنرانی های اقتدار دولتی از یک جانب و سخنرانی های مخالفین از جانب دیگر، به آدرس مردم صورت می گیرد. برداشت از هر دو نوع سخنرانی مربوط به دانش افکار سیاسی شنوندگان بوده و نظر به سنتیز و تحلیلی که از این سخنرانی می نمایند ارتباط دارد.

افکار معمولی مردم منسجم و یا واحد نبوده و نظر به کتگوری های اجتماع و نظر به دوره های مختلف قابل تغییر می باشد.

ادامه دارد